

قسمت دوم

نقد فتوای احمد جنتی

تردید در اصالت نامه

قبل از نقد نامه منتسب به آخوند جنتی این توجه بجاست که قبول اینکه نامه مورد نقد از ناحیه احمد جنتی با عنوان فتوا صادر شده باشد، دشوار و محل اشکال است چرا که با سیاست پنهان کاری جمهوری اسلامی منافات دارد. علاوه بر آن مواردی در این نامه دیده می شود که توجه نامه را به آخوند جنتی ویا هر شخص دیگری بسیار ضعیف می سازد. از جمله آن موارد، یکی کپی و سوء استفاده و تحریف متقلبانه از سنگر شماره ۳۱ سال ۱۳۵۹ است که در همین تحریریه کم و کیف آن اشاره و استناد شده است. زیرا تحمل اثرات فاش شدن متقلبانه از سنگر مزبور و اثرات منفی آن در حدی است که برای هیچکس حتی آخوند که اصولاً به حیثیت اعتنائی ندارد، غیر قابل تحمل است.

اما آنچه که نامه منتسب به احمد جنتی ایجاد حساسیت می کند، عنوان «فتوا» دادن به نامه و خطاب نامه به اعلیحضرت است. (تحت عنوان شاهزاده رضا پهلوی) اثرات حقوقی و تبعی چنین عنوانی نمیتواند یک سلطنت طلب متعهد را به نامی بی تفاوت سازد، و نمی تواند بصرف تردید در اصالت نامه از خود رفع تکلیف نماید.

بنابراین نقدی که اکنون به ملاحظه شما میرسد متوقف بر این فرض است که:

- ۱- نامه احمد جنتی که بعنوان فتوا به پرسش های اعلیحضرت منتشر شده اصالت داشته و در راستای همین اصالت بوده که متن نامه مزبور به وسیله برخی از رسانه های گروهی و سایت های اینترنتی پخش و با واکنشی تکذیبانه مواجه نشده است.
- ۲- در صورتی که نامه منتسب به آخوند جنتی نباشد ضمن ابراز تاسف از صرف وقتی که شده به دست اندرکاران این صحنه سازی ها یادآوری می شود که در سالهای نخست پیروزی شورشیان، این قبیل سندسازی ها غالباً مشاهده می شد. زیرا مبارزین خارج از کشور کمتر به دلایل عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و جنایات سران حکومت غاصب دسترسی داشتند، درحالیکه مبارزه علیه جمهوری اسلامی یا انبوهی از دلایل عدم مشروعیت و اسناد ارتکاب جنایات و ویران ساختن کشور روبروست دیگر ساختن اسناد جعلی و نامه های غیر واقع چرا؟ فاش شدن یک دروغ جایگاه صداقت و اعتبار را نابود می سازد. قصه چوپان دروغگو مصداق است.

دروغی که کردید فاش آشکار بقول صدیقش مده اعتبار

قسمت دوم نقد «باصطلاح» فتوای آخوند جنتی

در نامه آخوند جنتی آمده است «مسلمانی که در ماه رمضان زبانش روزه نباشد، حق استفتا از علما ندارد و پاسخ به وی جایز نیست»

در هیچ حکم شرعی و رساله های مراجع چنین حکم و ممنوعیتی دیده نمی شود. در حقوق اسلامی اصل استصحاب جاری است و اصل مزبور به مسلمانان اجازه نمی دهد که پیش داوری کنند، اصل این است که مسلمان در ماه رمضان روزه دار است مگر خلافش با شهادت عاقل و بالغ به اثبات برسد در غیر اینصورت افتراست و مجازات مفتری را شایسته است.

آخوند جنتی اگر عقیده دارد که استفتاء کننده روزه دار نبوده است پس چرا به استفتا او جواب داده است؟؟ نمی شود گفت جایز نیست و بعد هم آنرا جائز جواب دانست. (!) این نهایت نادانی و بی عقلی است. کجدار و مریز است که کار عامی است.

۱- یکی از شرائط مرجعیت و اینکه شخص بتواند فتوا بدهد این است که مجتهد باشد و یکی از شرائط اجتهاد هم این است که به زبان عربی و زبان مردمی که مجتهد با آن مردم سروکار دارد عالم باشد (نقل از رساله مراجع تقلید)

آخوند جنتی در نامه ای که بعنوان فتوا در پاسخ به پرسش های منتسب به اعلیحضرت منتشر کرده واژه های «اولا»، «دوما»، «سوما» بکار برده است. هرکس اندکی از زبان عربی و فارسی بهره داشته باشد میدانند که نه در زبان فارسی و نه عربی «دوما - سوما» الی آخر وجود ندارد. در زبان عربی «اولا، ثانيا، ثالثا الی آخر است» و در زبان فارسی «اول، دوم، سوم و الی آخر است».

اعتراف به نادانی و عدم آشنائی به قواعد زبان عربی و فارسی آنهم در این حد ابتدائی نشان می دهد که ایشان تنها یک آخوند است آنهم آخوند، ساده و عوامی. بنابراین شرعا حق قرار دادن خود در جایگاه مراجع و صدور فتوا ندارد و عنوان ایت الله و استفاده از واژه فتوا که حکم شرعی تلقی می گردد جعل، تقلب و سوء استفاده از موقعیت است.

۲- عموم فتاوی که در تاریخ تشیع ثبت است، متضمن این نکته است که، سنوال کننده یک فرد مشخص را با القاب و احترامات خاص و ذکر نام طرف مورد پرسش قرار داده و حتی یک مورد دیده نمی شود که پرسش کننده سنوال خود را بطرفیت عام و بدون ذکر مشخصات مطرح کرده باشد.

احمد جنتی فرق بین استفتاء و استیضاح را نمیداند و به روابط مرید و مرجع و عرف معمول، بین آنها توجهی ندارد و خود را به میان موضوعی انداخته که اساسا به فتوا ارتباطی نداشته است. آیا نام آخوند احمد جنتی «آقایان» بوده که او خود را طرف سنوال پنداشته است؟

بنابراین دخالت آخوند احمد جنتی در موضوع، یک فضولی آشکار و یک خودنمایی مفتضح است.

۳- در نامه جنتی آمده است:

«سوما حمله دشمن بر علیه استقرار اسلام حکومتی حمله علیه برقراری نظام و مقررات مقدس با ۱۴۰۰ سال قدمت و حمله به تحقق آن چیزی است که خود ملت می خواهد.»

در این عبارت، جنتی خواسته بگوید: «حمله دشمن برای از بین بردن ویا جلوگیری و ممانعت از تحقق خواست ملت است» ولی از آنجا که با معنی تحقق آشنا نبوده، تحقق را بجای جلوگیری و ممانعت گرفته است.

۴- احمد جنتی نسبت به ملت و خواست ملت، غلو نمایشی کرده است، کسی که ادعای پیاده کردن اسلام را دارد نمیداند که در اسلام «خواست ملت» بی معنا و حتی کفر است، در اسلام خواست خدا مطرح است و نه خواست بنده خدا. بنده خدا در اسلام بی اعتبار است، حاصل و فاسق است، خیر و شر را تشخیص نمی دهد، پست ترین پستی ها است...، اینها بخشی از صفاتی است که قرآن برای مردم و ملت ها قائل شده است.

به اعتبار همین آیات است که خمینی در ملاقات با خانواده امام موسی صدر در ششم مهر ماه سال ۵۸ گفت: «... این حساب هائی که پیش مردم عادی مطرح است که ما ایرانی هستیم و برای ایران چه باید بکنیم این حساب ها درست نیست این قضیه که شاید صحبتش در همه جا هست که به ملت و ملیت کار داشته باشید این یک امر بی اساس در اسلام بلکه متضاد است با اسلام»

تشیع که این آخوند جنتی یکی از سردمداران آن است، ملت را صغیر و نادان و محتاج ولی، میدانند، این چنین ملتی چگونه ممکن است خواست آن قابل اجرا و قابل احترام باشد. (!)

جعفر صادق (امام شیعیان) مردم را به خاشاک تعبیر کرده و آخوند منتظری هم مردم را کف نامیده است، این تعابیر با آنکه بسیار مذموم است ولی مقتضای اسلام خامه تشیع است. با اینحال بنظر میرسد که آخوند جنتی باید برگردد به مدرسه ابتدائی اسلام شناسی.

دربندی از نامه مزبور اشاره شده به اصل حاکمیت اراده مردم

۵- درنامه احمد جنتی احترام و الویت و امتیاز خاصی برای حاکمیت اراده مومنین دیده می شود، ابتدائی ترین آشنائی با اسلام و قرآن دریافت این روشنی است که اسلام حق حاکمیت اراده را برای مردم قائل نیست، ده ها آیه گویای این روشنی است از جمله آیه ۲۸ سوره قصص که می گوید: «نباشد مخلوق را اختیار و اختیار با خداست» آیه ۶۰ سوره عنکبوت: «در کار رزق به الله توکل کنید نه بر سعی و کوشش خود» آیه ۹۶ سوره صافات: «خداوند آنچه را که شما می سازید خود آفریده است» آیه ۳۰ سوره مرسلات: «شما نمی خواهید چیزی را جز آنچه که خدا می خواهد»، آیه ۱۹ سوره انشقاق: «همه چیز به اختیار خداست نه اختیار شما»، آیه ۵۱ سوره توبه: «مگو هرگز جز آنچه که خدا خواسته است بر ما نخواهد رسید.» و بسیاری دیگر

قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به اعتبار همین آیات حق حاکمیت را از مردم ساقط کرده است. تمام شعرای فارسی و عربی زبان با اشعار خود حالت جبر و عدم اختیار افراد بشر را بنمایش در آورده اند؛ از جمله:

اگر جامه برتن درد نا خدا	بَرَد کشتی آنجا که خواهد خدا
نُبرد رگی تا نخواهد خدا	اگر تیغ عالم بجنبد ز جای
جز به تائید آسمانی نیست	بخت و دولت به کاردانی نیست
بـرساند خدای عز و جل	جَهد رزق اگر کنی یا نکنی
نخورندت مگر بروز اجل	ور روی در دهان شیرو پلنگ

هیچ مسلمانی نیست که به قدرت و موقعیت خبر در اسلام آگاه نباشد و اساسا حق حاکمیت یک واژه مغلوب و آپاندیسی در اسلام است، آیا این آخوند مدعی اجتهاد به این اصول اولیه و پیش پا افتاده اسلام و قانون اساسی کشور آگاه نیست و یا برای فرار از منجلاب اسلامی است که اسلام را بزک حاکمیت کرده است.

خود نمائی کودکانه:

به این قسمت از نامه احمد جنتی در پایان این تحریر پاسخ گفته شده است.

ماهیت نامه آخوند جنتی:

ماهیت نامه آخوند جنتی موید این است که او در عین حالی که خود را فارغ از جواب دانسته به تمام پرسش های مطروحه که آخرین آنها این است: «آخر چگونه و به پشتوانه کدام الاهیات است که تجاوز به عنف را بردختر و پسر ایرانی مجاز می شمارید»

جنتی به پرسش بالا اینطور جواب داده است: «تجاوز به دختران و پسران هرگز تجاوز نیست بلکه حق اسلام حکومتی است» جواب جالبی است. آخوند جنتی اصل تجاوز را تائید کرده ولی اجرای آنرا حق حکومت اسلامی می داند، یعنی حکومت اسلامی است که حق دارد به دختران و پسران تجاوز کند نه افراد عادی. عملا هم همینطور است و تجاوز به دختران بوسیله مامورین حکومت اسلامی صورت می گیرد نه افراد.

یا آنجا که در سنوال دیگری آمده است: «چگونه و به پشتوانه کدام الاهیات است که میراث تمدن ایران را شایسته حراج کردن و سوزاندن و به آب بستن و به کلنگ برکندن می دانید»

آخوند جنتی در کمال صراحت این جواب را می دهد: «محو آثار بت پرستان پیش از اسلام یک تلکیف اسلام حکومتی است» و برای مزید استحضار سنوال کننده اضافه کرده است که «ما هنوز محکم نشده ایم، دست بکار نشده ایم، هنوز فرصت می خواهیم تا معنای واقعی اسلام حکومتی را ارائه دهیم»

یعنی این چیز ها که دنیای آزاد را منقلب و ایرانیان را به صلابه کشیده است هنوز قطره ای از دریای خشونت و بی رحمی اسلام حکومتی است.

اعتراف ارزنده، طرح کشور گشائی جهانی:

احمد جنتی در پایان نامه اش اعترافی کرده است که بسیار ارزنده و کشورهای جهان را باید متوجه برنامه و طرح جهان گشائی حکومت جمهوری اسلامی که آنرا باز فاش کرده است بنماید.

به اتفاق به این اعتراف و فاش گویی نگاه می کنیم:

«ما ۱۴۰۰ سال صبر کردیم و نوحه خواندیم و اکنون دفع الوقت نمیکنیم. متشیع مومن عدالت اسلام حکومتی را نشان خواهد داد تا مسلمانی را اشاعه دهد شرع نبی بر تمام ایران و دنیا حکومت خواهد کرد تا موازین اسلامی را جلوه دهد. بسیج سراسری ایران و جهان غیر اسلام را حجت و واجب خواهد کرد تا عملکرد اسلامی بوجود آورد و پاسداران، جهان اسلام را بوجود آورند یعنی همان غزوه که در صدر اسلام به نجات عالم کمر بست»

این اعتراف، ارائه نقشه حکومت اسلامی بر تحمیل اسلام به جهان و ایجاد جنگ های اسلامی برای مسلمان ساختن کشور های کفر است. آشکار ساختن ماموریت بسیج در تشکیل لشکر های اسلامی و غلبه بر حکومت های آزاد کشور هاست.

بنده تصور نمی‌کنم در حکومت آخوندی حاکم هیچ دیوانه نادانی چنین اقلیری را که این آخوند صریح و پوست کنده اظهار داشته حاضر به تکرار و تایید آن باشد.^۱

اسلام حکومتی و اسلامی تهذیبی

استفاده از عبارات «اسلام حکومتی و اسلام تهذیبی» در نامه احمد جنتی برایم حیرت آور شد زیرا تئوری اسلامی حکومتی و اسلام تهذیبی یعنی تقسیم اسلام به دو مقوله برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ از سوی سنگر ابداع گردید و چون پایه محکمی نداشت، سنگر دیگر پیگیر آن نشد و در خارج از کشور ویا داخل هم متفکرین و حقوقدانان به این تئوری گرایش نشان ندادند.

بکار گرفتن عبارت «شما هنوز نمیدانی» در نامه جنتی فوراً مرا متوجه مقاله سنگر در سال ۱۳۵۹ نمود که با تیتر؛ «ملت هنوز نمی‌داند» انتشار یافت. اجازه فرمائید به اتفاق به این ماجرا که رسوائی بار برای احمد جنتی است نگاه کنیم:

هنوز ملت نمی‌داند

در بیستم تیر ماه سال ۱۳۵۹ یعنی ۱۷ ماه پس از پیروزی شورشیان و اعلام حکومت جمهوری اسلامی در سنگر شماره ۳۱ مقاله ای نوشتم زیر عنوان «هنوز ملت نمیداند» در آن مقاله نه تنها برای اولین و آخرین بار به اسلام حکومتی و اسلام تهذیبی اشاره شد بلکه عباراتی که در نامه احمد جنتی پیاده شده در همان مقاله با تحریقاتی بسیار ناچیز که مشخص اقتباس است دیده می‌شود.

فکر میکنم برای ملاحظه ایجاد این سرقت تالیف بجاست که عین مقاله مزبور از سنگر سال ۵۹ به اینجا فتوکپی شود و برای سهولت مقابله به چند جمله که دقیقاً حالت سرقت و اقتباس را نشان می‌دهد اشاره و مقابله شود.

نخست فتوکپی سنگر شماره ۳۱ سال ۵۹

^۱ - نه از برای دفاع از آخوند جنتی بلکه از نظر اینکه این نامه بی اعتبار بوده است لازم است یاد آوری شود این دلیل خود، سندی است به بی اعتبار بودن نامه جنتی زیرا بنظر می‌رسد با توضیح های دکتر امیر فیض یک آدم بی سواد سود جوئی این نامه را از روی بخار معده سر هم کرده است. گرچه که سواد اغلب آخوندان بالاتر از این نیست. نمونه اش سخنرانی های خمینی با عنوان «آیت الله» است. ح-ک

ای ایرانی، ای هوطن
این نشریه که در اختیار دوستی، زیر فشار اختناق و
باهت همزمان توتیس شده است،
با احترام خونهای ریخته شده، بیگناهایی که تا انتقام
میجویند، این نشریه را تکثیر کنید برای دوستان
و ایرانیان در هر کجای دنیا که هستند بفرستید.

آزادی زن و انسان برابر است (رمز این شماره)

هنوز ملت نمیداند

این روزها چیزی که انتظارش را داشتم با اجتماع ایران حمله کرد.
حمله برای مرگ آزادی زنان، حمله برای استقرار اسلام حکومتی، حمله برای برقراری نظام و
مقررات ۱۴۰۰ سال قبل عربها، حمله برای تحقق آنچه که خود میخواهند و ملت تنفرد آرند.
بمقین باید بدانید، که ملاها در طول ۱۷ ماه حکومت خود! هنوز مقررات اسلام حکومتی
را در جامعه ایران باجرا نکشیده اند بهمین لحاظ خشونت که خاص احکام اسلام حکومتی
است برای ملت ایران روشن نشده است و برای روشنفکرانیکه در راه برقراری این نظام کثیف
سینه چاک کردند و این رژیم! را بانهاد قانونی و هویت ملی کشور بخيال خود شان جابجا
کردند آشکار نگردیده است که:
آنهمه خیانت و غارت و ویرانی که ملاها تا کنون بر کشور ما وارد ساخته اند در قبال دستورات
اسلام حکومتی عدل و انصاف و بهبود و سستی است.
اصل فلسفه اسلام حکومتی، اجرای قوانین شرعی است که این قوانین در ۱۴۰۰ سال قبل
بر نیاز جامعه آنروز تدوین یافته و مملو از خشونت و بی رحمی است و اصل دیگر همان
قوانین لایتخیر بودن قوانین است که از این اصل، اصل مهمتری مشتق میشود که حکومت
بی چون و چرای قوانین شرعی است بر تمام شئون اجتماعی و ملی، در هر زمان و هر مکان.
بقیه در صفحه ۲

از آنجا که اجتماع بعلمت سیر تکاملی خود نیاز بروابط حقوقی مناسب با پیشرفتهای خود را دارد لذا نه، میتواند از قوانین جدید متمدنی چشم پوشی کند و نه میتواند قوانین کهنه و فرسوده و وامانده اسلام را که با نیازش هماهنگ نیست باجرا در آورد، لاجرم تعصب منهدمی و مسئولیت ملاءهای حاکم این سبب را توجیه میکنند که با خشونت و ایجاد وحشت یعنی همان چیزیکه یکی از عوامل زیربنائی گسترش مذهب بود به حاکمیت آن قوانین بپردازد و اصل آزادی و حاکمیت اراده را که رکن اصلی برای زندگی یک انسان آزاد و متکامل است شهید و نابود سازد.

ملاها برای گسترش این خشونت، ایمان به اسلام یعنی همان ایمان فرد مسلمانیکه زیر ضربات سنگین قهر و خوف ملاها قرار گرفته است وسیله بکه تازی خود قرار میدهند. رضای خدا، ترقی و تعالی اسلام احترام قرآن که روزگاری پدران و مادران ما مسلمانان از باب تهذیب اخلاق و وجدانیت و عدالت خداوند و یا از هراس و وحشت غارت و برده شدن بدان ایمان تقدیم کردیم، همان ایمان را چون تبری بر سروریش حیات و آزادی خودمان فرود میاورند.

به حقیقت بشما میگویم، که ملت ایران هنوز نمیداند حکومت اسلامی چیست و اسلام حکومتی کدام است.

هنوز نمیداند قدرت اختناق و اعصاب شکنی اسلام حکومتی چیست؟
هنوز نمیداند که کشتن صد ها هزار نفر در راه اسلام حکومتی برای یک ملای متعصب متشیخ از نوشیدن یک جرعه آب آسانتر و یک وظیفه و تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند که کشتن تمام مردم عالم با استثنای تعدادی ملای متعصب متشیخ یک تکلیف اسلام حکومتی است بر زندگی فکری و اعتقادی تمام انسانهای عالم به عقاید این ملاءهای متشیخ یک تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند، بردگی فکری و اعتقادی تمام انسانهای عالم به عقاید این ملاءهای متشیخ یک تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند غارت تمام ثروت پیروان بودا، مسیح و موسی یک تکلیف اسلام حکومتی است.
هنوز نمیداند قهر آبدی با آزادی و بیگانگی با دانش بزهومی یک تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند، برگشت جامعه به ۱۴۰۰ سال قبل یک تکلیف اسلام حکومتی است.
هنوز نمیداند محو تمام آثار باستانی و تاریخ کهن ملی و میراثهای فرهنگی یک تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند برده ساختن تمام زنان و مردان و تجاوز به تمام زنان و دختران پیروان ادیان - بودا و مسیح و موسی یک حق اسلام حکومتی است.
هنوز نمیداند قدرت تفتیش عقیده و شستشو دادن مغز و نابود کردن هر فکر و اندیشه آزاد انسانها یک تکلیف اسلام حکومتی است.

هنوز نمیداند که زهر این اسلام حکومتی بر مردم و ملت ما تاکنون نرسیده است و هنوز قیافه زشت و کریه اسلام حکومتی به اجتماع ما نشان داده نشده است و اینها که میبینید دل انسان را بخون میزند تبسم های مهربانانه اسلام حکومتی است این جنایات که این ملاها میکنند حتی اشاره ای هم در راه اسلام حکومتی بحساب نمیاید آنها هنوز دست بکار نشده اند، هنوز محکم نشده اند، هنوز فرصت میخواهند تا قیافه واقعی اسلام حکومتی را آرا دهند و گرنه این ابلهین متعصب که ۱۷ ماه صبر نمیکنند | ۱۷۰ ماه قوانین اسلام را که

هنوز ملت نمیداند بقیه از صفحه ۲

تعطیل نمیکند! ۱۷ ماه اسلام را که منقلب و غمزده نمیکند! ۱۷ ماه ابروی اسلام را کسه آویزان نمیکند! ۱۷ ماه که رحم معاشات نمیکند! بعد از ۱۳۷۰ سال صبر و توطئه و نوحه خوانی اکنون که بحکومت رسیده تردید و دقع الوقت نمیکند! متشیع بتعصب یک ایران آدم خواهد کشت تا عدالت اسلام حکومتی را نشان دهد دنیا را غرق به خون میکشد تا مسلمانی را اشاعه دهد، قحطی و قهر بر تمام ایران و دنیا حکومت خواهد داد تا اقتصاد اسلامیش را جلوه دهد، غارت سراسری ایران و جهان غیر اسلام را حجت و واجب خواهد کرد تا عساکر اسلامی بوجود آورد و نامش را بگذارد پاسداران اسلام یعنی همان عزوه که در صدر اسلام بغارت ایران کمر بستند.

تا وقتی که نام اسلام است از خیانت چه پروا دارند، تا وقتی که نام قرآن است در لئوای آن خشونت میکنند و فریب میافزینند، به آزادی زنان حمله میکنند نام انرا حجاب اسلامی میگذارند، آدم میکشند نامش را عدالت اسلامی میگذارند، غارت میکنند نامش را مصادره اسلامی میگذارند، ویران میکنند، نامش را سنت اسلامی میگذارند، زندانی و شکنجه میکنند نامش را تأدیب اسلامی میگذارند.

انتقام میکشند و نامش را محاکمه اسلامی میگذارند، انسانها را بیکار و مفلوک میکنند نامش را اقتصاد اسلامی میگذارند، میهن پرستان را از کار بیکار و بفرق میکشند نامش را تصفیه اسلامی میگذارند، حق حاکمیت ملی را غصب و غاصب میشوند نامش را حکومت اسلامی میگذارند، تف بر شرف آنها که اسلام راستین را با اسلام حکومتی در یک پیمانہ متعفن و کندیده میریزند و برای اسلام راستین که همان اسلام تهذیبی است جزء بی آبرویی و آلودگی بسه بجنایت نشانی نمیگذارند.

از یک سو بغم مینشیم که ایرانمان ویران میشود، عزیزانمان به تیر انتقام گرفتار میشوند ولی یک شادی و نشاط داریم که نقاب از چهره اسلام حکومتی و نقش خائنه ملاها برداشته شد، دستان خون آلود آنها هویدا شد، مقاصد شیطانی آنها رسدت با استعمار انگلیس بر ملا شد، بی وطنی آنان عیان شد، دشمنی و ضدیت آنها با وحدت ملی بیان شد، انتقام و بیسرحمی آنها آشکار شد، بی انصافی و غارتگری آنها نشاندار شد، و همه اینها درسی شد که بحکم لزوم حفظ جامعه و جلوگیری از تجدید این تاریخ ننگین زمان، بیکبار برای همیشه تصمیم بگیریم و ایران و ایرانیان را از هر گونه اعتقاد به ملا و اسلام حکومتی یکسره پاک و منز کنیم و صغیر و کبیر ملا را چون کثافتی متعفن از اجتماع خود دور کنیم و پیروان آنها را در هر هزار هزار که باشند با آموزشی که ملاها بما داده اند دست نوازش ابدی اسلامی بر سرشان بکشیم.

ما با اسلام تهذیبی ایمان و اعتقاد تقدیم میکنیم و بلجن میکشیم اسلام حکومتی و حکومت اسلامی را.

بنفوس و انتقام میزنیم راه فریبکاری این سالوسفیه را.
بخیانت متهم میکنیم ملا و مقلدش را و انک خیانت میزنیم، یا بلیس و پیروان خائنش را.

جدول تطبیقی نامه احمد ختی با سکر شماره ۳۱

از نوشته های نامه احمد ختی در سال ۱۳۸۸

- ۱- چیزی که انتظارش را داشتیم هنوز در اجتماع ایران اجرا نشده است.
- ۲- یقین بدانید که در طول ۳۰ سال حکومت هنوز مقررات اسلام حکومتی را به اجرا نکشیده ایم. بهمین لحاظ انضباطی که خاص احکام اسلامی است برای بسیاری روشن نشده است.
- ۳- اصل فلسفه اسلام حکومتی اجرای قوانین شرعی است و طی ۱۴ قرن مطابق با نیاز جامعه تنظیم شده است. اصل دیگر لایتغیر بودن قوانین است که از این اصل مهمتری مشتق می شود که حمایت بی چون و چرای قوانین شرعی است بر تمام شئون اجتماعی در هر زمان و مکان.
- ۴- از آنجا که اجتماع بعلت سیر تکاملی خود نیاز به روابط حقوقی مناسب با معنویات را دارد لذا نمی تواند...
- ۵- به حقیقت می گویم شما هنوز نمیدانی حکومت اسلامی چیست و اسلام حکومتی کدام است.
- ۶- هنوز نمیدانی که اصلاح جامعه از صد هزار نفر در راه اسلام حکومتی برای مراجع تقلید از نوشیدن یک جرعه آب آسانتر و یک وظیفه و تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۷- هنوز نمیدانی که ایمان و اعتقاد تمام انسان های عالم به عقیده مراجع تشیع یک تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۸- هنوز نمی دانی محو آثار بت پرستان پیش از اسلام یک تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۹- هنوز نمیدانی، که طعم اسلام حکومتی را همه مردم نچشیده اند، هنوز چهره منزه اسلام

از نوشته های سکر شماره ۳۱ سال ۱۳۵۹

- ۱- این روزها چیزی که انتظارش را داشتیم به اجتماع ایران حمله کرد.
- ۲- یقین بدانید، که ملاها در طول ۱۷ ماه حکومت خود هنوز مقررات اسلام حکومتی را به اجرا نگذاشته اند بهمین لحاظ خشونت که خاص احکام اسلام حکومتی است برای ملت ایران روشن نشده است.
- ۳- اصل فلسفه اسلام حکومتی اجرای قوانین شرعی است که این قوانین در ۱۴۰۰ سال قبل بر نیاز جامعه آنروز تدوین یافته... و اصل دیگر همان قوانین لایتغیر بودن قوانین است که از این اصل، اصل دیگری مشتق می شود که حکومت بی چون و چرای قوانین شرعی است بر تمام شئون اجتماعی و ملی در هر زمان و مکان.
- ۴- از آنجا که اجتماع بعلت سیر تکاملی خود نیاز به روابط حقوقی مناسب با پیشرفت های خود را دارد لذا، نمی تواند...
- ۵- به حقیقت به شما می گویم که ملت ایران هنوز نمی داند حکومت اسلامی چیست و اسلام حکومتی کدام است.
- ۶- هنوز نمیدانید که کشتن صد ها هزار نفر در راه اسلام حکومتی برای یک ملای متشیع از نوشیدن یک جرعه آب آسانتر و یک وظیفه و تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۷- هنوز نمیدانید، بردگی فکری و اعتقادی تام انسان های عالم بعقاید ملای متشیع یک تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۸- هنوز نمیدانید محو آثار باستانی و تاریخ کهن ملی و میراث های فرهنگی یک تکلیف اسلام حکومتی است.
- ۹- هنوز نمیدانید که زهر این اسلام حکومتی بر

مردم و ملت ما تاکنون نرسیده است و هنوز قیافه زشت و کریه اسلام حکومتی به اجتماع ما نشان داده نشده است و اینها که می بینید دل انسانرا بخون می کشد تبسم های مهربانه اسلام حکومتی است.

۱۰- این جنایات که این مالاها می کنند حتی اشاره ای هم در راه اسلام حکومتی بحساب نمی آید آنها هنوز دست بکار نشده اند هنوز محکم نشده اند، هنوز فرصت می خواهند.

۱۱- غارت سراسری ایران و جهان غیر اسلام را حجت و واجب خواهد کرد تا عساکر اسلامی بوجود آورد و نامش را بگذارد پاسداران اسلامی یعنی همان غزوه که در صدر اسلام بغارت ایران کمر بستند

حکومتی به اجتماع ما درست نشان داده نشده است و اینها که می بینید تبسم های مهربانانه اسلام حکومتی است.

۱۰- این گلایه ها حتی اشاره ای هم در راه اسلام حکومتی بحساب نمی آید. ما هنوز دست بکار نشده ایم هنوز محکم نشده ایم هنوز فرصت می خواهیم.

۱۱- بسیج سراسری ایران و جهان غیر اسلام را حجت و واجب خواهد کرد تا عملکرد اسلامی بوجود آورد و پاسداران جهان اسلام را بوجود آورد یعنی همان غزوه که در صدر اسلام به نجات عالم کمر بست.

چه بدبخت شده ایران من:

مسئله تحریف و تقلب و سرقت تالیفاتی که ملاحظه کردید به یک سو، بی شرمی و استفاده نا مشروع از نوشته کسی که سی سال است علیه رژیم اسلامی حاکم غاصب می جنگد و آنهم با رشادت تمام این نوشته متقلبانانه را بنام خود در اینترنت ها پخش کردن مهم است.^۲

مانده ام، آخر جواب دادن به سنوالات کار مهمی نبوده و نیست که استفاده از نوشته یک ضد انقلاب سلطنت طلب ضرورت اجتناب پذیر نباشد. اگر انسان ظرفیت علمی و بضاعت برای جواب دادن ندارد چرا ساکت نماند و دست به سرقت بزند. هرکس یک جو شرافت و حیثیت و اخلاق داشته باشد محال است دست به چنین کاری بزند.

اگر قوه قضائیه جمهوری اسلامی هتک حیثیت جمهوری اسلامی را جرم میداند، عمل احمد جنتی چه از نظر آقاری که نهایتاً به حیثیت (!) و اعتبار جمهوری اسلامی زیان می رساند و چه از جهت سرقت و استفاده از نوشته یک ضد انقلاب او را بدون تنبیه رها نمی کند

بیچاره کشورم که یک چنین آدم بی سواد، سارق تالیفات، مدعی اجتهاد، در یکی از بالاترین نهاد های جمهوری اسلامی مقام دارد.

^۲ - جمله بندی های بخشی که توسط نویسنده نامه منتسب به جنتی دستکاری شده است بیشتر به کار دزدی و تقلب طرفدارن مجاهد خلق ویا توده ای های پشت به میهن کرده می ماند. این بی شرف دزدی به این بزرگی را کرده و چنان جمله بندی را حفظ کرده که خواننده اگر سنگر شماره ۳۱ را یکبار هم خوانده باشد به اشتباه می افتد و به غلط گمان می کند نویسنده نامه جنتی، دکتر امیر فیض -حقوقدان است. درحالیکه دزدی آنقدر آشکار و واژه های بکار رفته چنان روشن است که شکی باقی نمی گذارد یک شخص با افکار کومونیستی استوار به یک ایدئولوژی کثیف عامل نویسندگی این نامه بوده است. هیچ بعید نیست این نامه توسط طرفداران برخی از کسانی که بتازگی مورد انتقاد قرار گرفته اند باشد ولی آنقدر بی شعور و بی سواد بوده که گمان نکرده کسانی پیگیر خواهند بود و مشت کثیفش را باز خواهند کرد. نه گمان نکنید همان نویسنده «رشیدی مطلق» باشد او از این کار ها؟؟ ایدا... حک

حیرت اندر حیرت است این ماجرا:

در پایان این تحریر نمی توانم از ابراز این حیرت خودداری کنم که سنگر سال ۱۳۵۹ چگونه در دست احمد جنتی می باشد. سنگر در آن سال که سال دوم انتشارش بود بسیار محدود چاپ می گردید و برای تعدادی سلطنت طلب شناخته شده و معتقد ارسال می گردید. حیرت بیشتر آن جاست که سنگر مزبور چگونه ظرف سی سال گذشته حفظ و آرشیو شده است؟! سلطنت طلبان مشترک سنگر هم بندرت آن سنگر را دارند.

باری آنچه که میدانم و رویه معمول بین آخوند ها نشان می دهد، افشای اینکه احمد جنتی از سنگر ضدانقلاب، استفاده متقلبانه کرده و برای خودش ایجاد اعتبار در لوای نوشته های سنگر کرده است هزینه سنگین آبرویی خواهد داشت.

سرقت مال ارجح است از سرقت ناموس کس

آنکه تالیفی بدزدد دزد ناموس است و بس

خود نمایی و خود خواهی های کودکانه:

جنتی در نامه اش آورده «تمام مردم عالم به پای شاگرد کلاس اول مدرسه فیضیه و... نمی رسند و باید از یک طلبه جامعه مدرسین حوزه قم سالها بیاموزند»

این قبیل خود نمایی ها و ادعا ها که بیشتر شبیه بازی کودکانه است فقط از آدم های نادان که هیچ چیزی از علم و دانش و فراگیری آن نمی دانند ممکن است شنیده شود.

تصور می کنم توجه خوانندگان این تحریر و ملاحظه حد سواد احمد جنتی در بکاربردن واژه های اول و دوم و سوم و از آن مهمتر بی سوادی در حدی که برای پاسخ به چند سؤال بسیار ساده خود را به دامان سنگر ۳۰ سال پیش و نوشته یک ضد انقلاب و سلطنت طلب انداخته و خواسته است با استمداد از آن نوشته ها برای خود کسب حیثیت !!! کند، پاسخ به ادعای اوست:

ضرب المثل: «درخت گردکان آنقدر بزرگ است، درخت خربزه الله اکبر»، مصداق موضوع است وقتی احمد جنتی با آن مقام به اصطلاح روحانی و عضویت در پایگاه های بالای جمهوری اسلامی آنقدر بی شعور و فاقد فهم و زبان عربی و فارسی است وای بر دیگر آخوند ها.

امیر فیض - حقوق دان